

نظریه آشوب و نقد آن از منظر اسلام و مدیریت

عبدالعزیز حسینی^۱

دریافت: ۱۴۰۴-۴-۲۵

پذیرش: ۱۴۰۴-۵-۱۲

چکیده

نظریه آشوب محصول عدم دید مکانیکی و خطی به امور و سازمان است. این نظریه توسط هواشناسان، ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان و زیست‌شناسان به جامعه علمی عرضه شده است. نظریه آشوب با ویژگی‌های؛ اثر پروانه‌ای، خود مانایی، جاذبه‌های غریب و... در تعارض با تئوری‌های مدیریت کلاسیک و آموزه‌های ثابت و تغییرناپذیر دین اسلام است؛ اما علم مدیریت با عدول از فیزیک نیوتنی به فیزیک کوانتومی در بسیاری از جهات با نظریه آشوب هماهنگ و اشتراک پیدا کرده است. اندیشمندان مسلمان دین اسلام را آخرین، کامل‌ترین و دین جاوید می‌دانند؛ بنابراین آموزه‌های متغیر اسلامی می‌تواند اشتراک مایی با نظریه آشوب داشته باشد؛ زیرا احکام متغیر در اسلام محصول اجتهاد و تلاش فقیه در متون و متغیر دانستن زمان، مکان، ملاک حکم و... در استنباط حکم از متون است. در واقع اسلام زمان، مکان، ملاک حکم و... خطی و ثابت نمی‌داند. استنباط جزئیات حکم را به عهده فقیه جامع شرایط گذاشته است تا پایایی و پویایی دین تضمین شود؛ اما با توجه به برخی از ویژگی‌ها نظریه آشوب هیچ شباهتی با دین اسلام نخواهد داشت.

کلید واژگان: نظریه آشوب، اثر پروانه‌ای، خودسازمان‌دهی، خود مانایی، اسلام، مدیریت.

مقدمه و بیان مسئله

^۱ دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی - اسلامی.

نظریه آشوب محصول عدم دید مکانیکی و خطی به امور و سازمان است. این نظریه توسط هواشناسان، ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان و زیست‌شناسان به جامعه علمی عرضه شده است. نظر این دانشمندان این است که با فیزیک نیوتنی نمی‌توان جهان را درک و تفسیر کرد. این نظریه در وقع عدول از فیزیک نیوتنی و اتکا و اطمینان به فیزیک کوانتومی است. نظریه آشوب از زاویه‌های زیادی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. این تحقیق ضمن تبیین آن، از منظر مدیریت و اسلام به نقد و بررسی آن می‌پردازد. وجه امتیاز آن از دیگر پژوهش‌ها در این است که از دو دیدگاه مدیریت و اسلام به نقد و بررسی این نظریه مطرح، پرداخته شده است.

سابقه پژوهش

نظریه آشوب از دهه ۱۹۶۰ توسط هواشناسان، فیزیک‌دانان، ریاضی‌دانان و زیست‌شناسان، طرح شده است. آنان به این نتیجه رسیدند که طبیعت دارای رفتار غیرقابل پیش‌بینی است؛ بنابراین طبیعت الگوها و طرح‌های تصادفی و پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند که با محاسبات و در قالب فرمول‌های خطی نمی‌گنجد. نظریه جدیدی به نام نظریه آشوب شکل گرفت (الوانی). سابقه پژوهشی ویژه و فراوانی نمی‌توان برای این نظریه جستجو کرد؛ زیرا این نظریه تا هنوز در غرب نیز دوران گذار و پادمانی خود را می‌گذراند و تبدیل به یک نظریه با پشتوانه علمی نشده است. در زبان فارسی آثار درخوری که به نقد و بررسی آن پرداخته باشد، نمی‌توان دست‌یافت؛ بنابراین آثاری که در زبان فارسی به نحوی با موضوع نظریه آشوب مرتبط بوده است؛ این پژوهش، سعی در خوانش آن نموده است. محمد جبار پور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه با عنوان: «ارزیابی نظریه آشوب بر اساس حکمت اسلامی» نظریه آشوب را از زاویه دید حکما مورد نقد و بررسی قرار داده است. سید محمدحسین حسینی (۱۳۹۶) در مقاله تحت عنوان: «درآمدی انتقادی بر نظریه‌های آشوب و پیچیدگی» نظریه آشوب را به خوانش و چالش کشیده است. جوان پور هروی، عزیز؛ اسماعیلی، جعفر؛ شیخی محمد رضا (۱۳۹۶) در مقاله تحت عنوان: «مطالعه تطبیقی نظم از منظر اسلام و نظریه آشوب» این نظریه را به خوانش گرفته‌اند. بابک حاجی کریمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: «نظریه آشوب و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های سازمانی» معتقد است که: این نظریه در ریاضیات، اقتصاد و سامانه مدیریت اطلاعات کاربرد دارد. دانشمندان با استفاده از اصول نظریه آشوب توانستند حجم زیادی از اطلاعات را در لوح‌های فشرده ذخیره نمایند. پایه پژوهش در این نظریه به آثار دکتر الوانی و دانایی فرد در کتاب تحت عنوان: «تئوری نظم در بی‌نظمی و مدیریت، می‌رسد. دکتر الوانی در مقاله‌ای تحت عنوان: «بازتاب جلوه‌های نظریه بی‌نظمی در مدیریت (۱۳۷۸)» جلوه‌های بیشتری از کاربرد این نظریه در مدیریت متذکر می‌شود. جستجو در موضوع فقط به مواردی که متذکر شده است؛

دست یافت؛ بنابراین هیچ گونه پژوهشی نسبت به موضوع از نگاه اسلام و مدیریت صورت نگرفته است. این پژوهش سعی دارد این نظریه را از منظر اسلام و دانش مدیریت نقد و بررسی کند. سؤال‌های که می‌شود طرح کرد و این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن است، این سؤالات می‌تواند باشد: ۱- نظریه آشوب با توجه به اینکه ادیان به طور عام و اسلام به صورت خاص، آموزه‌های ثابت و تغییرناپذیر دارند، چه نسبتی می‌تواند داشته باشد؟ ۲- آیا نظریه آشوب در مقابل آموزه‌های؛ علیت، سنخیت میان علت و معلول و. دیگر آموزه‌های ثابت و تغییرناپذیر اسلام است یا می‌توان به گونه‌ای این تضاد را توجیه و تفسیر کرد؟ ۳- از منظر دانش مدیریت و اسلام نظریه آشوب با چه چالش‌ها و نقص‌های بنیادین درونی مواجهه است که از دید اندیشمندان این نظریه مورد غفلت بوده است؟

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با جستجو و پژوهش در منابع مدیریتی و رجوع به منابع اسلامی؛ آیات، روایات و متون فقهی و فلسفی، سعی و همت خود را در بازخوانش و نقد این نظریه در حد دانش و توان به عهده گرفته است. سعی شد اول این نظریه در منابع مدیریت بازخوانی و تبیین شود. سپس با مراجعه به متون و اندوخته‌های محقق از اولیات و ضروریات دین به نقد و بررسی این نظریه پرداخته شده است.

مبانی نظری تحقیق در تحلیل داده‌ها بی‌نیاز از تبیین علم مدیریت که این نظریه طبق این علم بررسی و بازخوانی شده است و دین اسلام که این نظریه را از منظر اسلام نقد و بررسی می‌شود، نخواهیم بود؛ بنابراین به صورت مختصر اسلام و علم مدیریت به خوانش گرفته شد.

تحلیل داده و اطلاعات

اسلام

دین اسلام به عنوان یکی از ادیان مطرح ابراهیمی، دومین دین دارای پیرو در جهان است. اسلام دارای احکام ثابت و متغیر است که به احکام اولیه و ثانویه نیز مشهور است؛ بنابراین حتی احکام ثانویه آن دارای ملاک است و فقیه نمی‌تواند احکام ثانویه را بدون ملاک استخراج کند. احکام ثابت: احکام و قوانینی است که به اقتضای نیازمندی‌های طبیعت انسان وضع شده است. به تعبیر دیگر؛ به این مقررات، عناصر جهان‌شمول گفته می‌شود. اسلام این بخش از احکام را که روی اساس آفرینش انسان و مشخصات ویژه او استوار است، به نام دین و شریعت نامیده است (طباطبایی، فراهایی از اسلام، ص ۶۹)

احکام متغیر: احکام و مقرراتی است که جنبه موقتی و محلی (و یا جنبه اختصاصی دیگری) دارد که با اختلاف شیوه زندگی، اختلاف پیدا می‌کنند. به تعبیر دیگر به این مقررات، عناصر موقعیتی گفته می‌شود. این بخش از مقررات با پیشرفت تدریجی شهرنشینی و زندگی مدرن و با تغییر شکل اجتماعی و به وجود آمدن روش‌های جدید در تعاملات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، قابل تغییر است. این قسم از مقررات، به نام اختیارات والی تعبیر می‌شود. ولی امر مسلمین، نظر به ولایت عمومی که در منطقه حکومت خود دارد و در حقیقت افکار جامعه اسلامی و اراده همگانی در دست اوست؛ بنابراین قدرت تصرف در محیط زندگی عمومی را از جانب شارع مقدس دارد؛ بنابراین می‌تواند در محیط زندگی عمومی تصرف کند. به دست آوردن تمام مصادیق احکام متغیر در عقود، وابسته به شرایط زمان و مکان بوده و در یک نوشتار قابل گردآوری نیست، اما برای مثال؛ می‌توان قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» را یکی از مصادیق احکام متغیر دانست؛ به این بیان: بر اساس این قاعده، انسان بر مال خود به مقتضای اصل اولیه تسلط دارد، ولی محدوده آن به ولی امر سپرده شده است؛ او می‌تواند برحسب مصالح و مفاسد اجتماعی دایره آن را توسعه و تضییع دهد؛ این دسته احکام را احکام ولایی نیز می‌نامند؛ ولی فقیه اگر تشخیص دهد، مالکیت شخص موجب وارد آمدن ضرر به دیگران می‌شود، می‌تواند مالکیت او را محدود کند، همچنین ولی فقیه می‌تواند به مصلحت یتیم در مال او تصرف کند. (عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۵۴۰).

مدیریت

مدیریت یک رشته علمی میان رشته‌ای است. قوانین و قواعد متغیر ولی مبتنی بر اصول دارد. هیچ یک از متفکران مدیریت، قائل به مدیریت صدفه‌ای و تقدیری نیست. وظیفه در مدیریت فرایندی است، پس مبتنی بر قواعد و اصول از پیش طراحی شده است. دانشمندان مدیریت فرایند وظایف مدیران را: برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل، انگیزش، ارتباطات، هدایت و تصمیم‌گیری می‌دانند. برخی مدیریت را هنر انجام امور به وسیله دیگران تعریف نموده‌اند. عمده اختلاف در رویکرد ما نسبت به مدیریت بستگی دارد. اگر مدیریت را از زاویه دید مدرنیست‌ها بنگریم. مدرنیست‌ها قائل به نظریه‌های جهان‌شمول و کلی هستند که قادر به تشریح و پیش‌بینی اعمال انسان عقلایی است؛ بنابراین طبق این برداشت و تعریف از مدیریت ارتباطی بین مدیریت و نظریه آشوب قابل تصور نیست (الوانی، ۱۳۸۵: ۴۰۶). درحالی‌که پست مدرنیست‌ها در عقلایی بودن انسان تردید دارند و یکسان‌سازی انسان‌ها را غیرعلمی می‌دانند.

نظریه آشوب:

تئوری آشوب پارادایمی جدید و کاربردهای زیادی در تمام علوم دارد. به تئوری سیستم‌های غیرخطی نیز یاد شده است. تئوری آشوب اهمیت زیادی دارد؛ زیرا باورهای بنیادین ما در باب جهان را به چالش کشیده، مورد هجمه قرار داده است. واژه آشوب chaos به طور سنتی به عنوان بی‌نظمی، آشوب و نوعی درهم‌وبرهمی کلی تعریف می‌شود. این واژه به معنای فقدان هرگونه ساختار یا نظم است. تئوری آشوب موجب پیشرفت حوزه هیدرودینامیک و علم اوزان و مقیاس‌ها شده است زیرا نوعی ساختار یا الگوهایی رفتاری را در سیستم‌ها نشان داده که قبلاً تصور می‌شد فرایندهای تصادفی مسبب آن بوده‌اند. تعریف جدید آشوب بر این نکته صحه می‌گذارد که بی‌نظمی ممکن است سطح بالایی از پیچیدگی باشد که می‌تواند از فرایندهای کاملاً قطعی منبث شود (الوانی، ۱۳۸۱: ۲۱). هیلز در ۱۹۹۰ آشوب یا بی‌نظمی را این گونه تعریف می‌کند:

"بی‌نظمی و آشوب نوعی بی‌نظمی منظم (orderly Disorder) یا نظم در بی‌نظمی است. بی‌نظم از آن رو که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی است و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است."

بی‌نظمی در مفهوم علمی يك مفهوم ریاضی محسوب می‌شود که شاید نتوان خیلی دقیق آن را تعریف کرد اما می‌توان آن را نوعی اتفاقی بودن همراه با قطعیت دانست. قطعیت آن به خاطر آن است که بی‌نظمی دلایل درونی دارد و به علت اختلالات خارجی رخ نمی‌دهد و اتفاقی بودن به دلیل آن که رفتار بی‌نظمی، بی‌قاعده و غیرقابل پیش‌بینی دقیق است. به طور کلی، آشوب اشاره به یک حالت یا وضعیتی دارد در برخی از سیستم‌های پیچیده مشاهده می‌شود، در که نظریه آشوب یا بی‌نظمی مجموعه‌ای از فنون و روش‌های ریاضی و هندسی است که به ما امکان می‌دهد تا مسائل غیرخطی که برای آن‌ها راه‌حل‌های مشخصی وجود ندارد، حل کنیم. اچ بروس استوارت ریاضی‌دان کاربردی، آشوب را «رفتار تکرارشونده به ظاهر تصادفی در یک سیستم ساعت گونه معین» تعریف می‌کند. تعریف زیر از جمله تعاریف پذیرفته شده مطرح برای آشوب است: آشوب، یک رفتار طولانی مدت غیر پریودیک در یک سیستم دترمینیستیک است که وابستگی حساس به شرایط اولیه را نشان می‌دهد (موسوی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۹). نظریه آشوب یک قاعده یا قانون قطعی و ثابت نیست بلکه روشی علمی برای مسائلی است که تا چندی قبل کنار گذاشته می‌شدند و مورد تحلیل و بررسی قرار نمی‌گرفتند. دستگاه‌های معادلات تشکیل دهنده آشوب یا نظم غایی دارای چند مشخصه هستند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- معادلات آشوبی غیرخطی بوده و تکرارشونده می‌باشند؛

۲- معادلات آشوبی دارای خاصیت خودمانا هستند؛

۳- دستگاه‌های آشوبی دارای جاذبه‌های غریب می‌باشند؛

۴- نتایج نهایی این‌گونه معادلات، شدیداً تحت تأثیر تغییرات جزئی در شرایط اولیه آن‌هاست (همان: ۵۵).

پنج اصل زیر بنایی نظریه آشوب را می‌توان در مباحث ذیل برشمرد:

برخی از رفتارهای سیستم‌های دینامیک ساده جبری که به‌ظاهر ماهیت و نحوه تغییر در آن‌ها تعریف‌شده و معادل قابل تدوین دارد، پیش‌بینی نشدنی هستند؛

برخی از سیستم‌ها در تغییرات اندک بعضی از متغیرهای وابسته خود حساسیت فراوان نشان می‌دهند، تغییر ناچیز در شرایط اولیه منجر به تحولات و تغییرات بزرگی در کل سیستم می‌شود؛

رفتارهای به‌ظاهر تصادفی که نتیجه تعامل دو اصل بالاست، خود نوعی نظم است و مطالعه الگوها و تیپ‌های چنین بی‌نظمی‌هایی حقایق فیزیکی خاصی را روشن می‌کند (رامشت، ۱۳۸۲: ۱۶)

منظور از آشوب، اتفاقی بودن امور نیست و همچنین منظور، نیروهای اتفاقی نیست که باعث رفتار تصادفی می‌شوند؛

آشوب ناشی از همان شرایط کاملاً قابل شناخت است که موجب ظهور رفتارهایی می‌شوند که باوجود اختلال ظاهری پیش‌بینی شدنی هستند (موسوی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۹).

اهداف نظریه پیچیدگی:

برای نظریه آشوب و پیچیدگی اهدافی قابل‌تصور است که عبارت‌اند از:

۱- توضیح ساختارهای غالب (خودسازمان‌دهی)؛

۲- اندازه‌گیری پیچیدگی نسبی (پارامترهای چندگانه سلسله مراتبی)؛

۳- تدارک روش‌های کنترل سیستمهای پیچیده (نقاط عطف)؛

۴- به وجود آوردن مدل‌های کارا (تلخیص)؛

۵- به دست دادن پیشگویی‌کننده‌های آماری (محدودیت‌ها)؛

۶- حل مسائل غیرمعمول (میانبر)؛

۷- نمایش کاربردهای جدید محتمل (نوآوری)؛

۸- کمی کردن قوانین ترتیب و اطلاعات برای تمام اهداف می‌بایستی روش‌های عملی کمی سازی ایجاد شوند (باید قابل‌محاسبه باشند).

ویژگی‌های نظریه آشوب

در کنار این تحلیل‌ها می‌توان از خصوصیات عمده و اساسی سیستم‌های آشوبناک نیز یاد کرد. ویژگی‌های عمده این نظریه عبارت است از: اثر پروانه‌ای (BUTTERFLY EFFECT)؛ خودسازمان‌دهی (DYNAMIC ADAPTATION)؛ خودمانائی / خاصیت هولوگرافی (SELF SIMILARITY) - و جاذبه‌های عجیب (STRANGE ATTRACTORS). در ذیل هریک از ویژگی‌ها به صورت مختصر تبیین و بیان شده است.

اثر پروانه‌ای

درواقع بیانگر رد روابط خطی بین علت و معلول و تأیید غیرخطی بودن روابط در پدیده‌ها و سیستم‌هاست. به این معنا که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه می‌تواند به نتایج وسیع و پیش‌بینی نشده در ستاده‌های سیستم منجر گردد و این سنگ بنای تئوری آشوب است. در نظریه آشوب یا بی‌نظمی اعتقاد بر آن است که در تمامی پدیده‌ها، نقاطی وجود دارند که تغییری اندک در آن‌ها باعث تغییرات عظیم خواهد شد. روانشناسی فرویدی مبتنی بر نظریه آشوب است. فروید ریشه تمامی رفتارهای انسان‌ها در طول زندگی را متأثر از دوران کودکی (شرایط اولیه به زبان تئوری آشوب) می‌داند و با پی-جویی این رفتارها تا دوران کودکی، به تحلیل این رفتارها می‌پردازد. در گذشته سیستم‌هایی که اثر پروانه‌ای از خود نشان می‌دادند به عنوان سیستم‌های بررسی ناپذیر از حیطة مطالعات علمی کنار نهاده می‌شد و به این جهت روش تحلیلی خاصی برای مطالعه آن‌ها به وجود نیامده بود اما امروزه این سیستم‌ها محل توجه دانشمندان است و کوشش می‌شود تا مسائلی که قبلاً تصادفی، ناموزون و بی‌نظم تلقی می‌شدند با تئوری آشوب مطالعه و راه‌حل یابی شوند.

خودسازمان‌دهی

در محیط در حال تغییر امروز، سیستم‌های بی‌نظم در ارتباط با محیطشان همچون موجودات زنده عمل می‌کنند و برای رسیدن به موفقیت همواره باید خلاق و نوآور باشند؛ اما هنگامی که سیستم به تعادل سازگار نزدیک می‌شود برای حفظ پویایی نیاز به تغییرات اساسی درونی دارد که این تغییرات به جای سازگاری و تطبیق با محیط، سازگاری پویا را موجب می‌شود که نتیجه آن دگرگونی روابط پایدار بین افراد، الگوهای رفتاری، الگوهای کار، نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها و فرهنگ‌ها است. در چنین شرایطی است که تغییرات کوچک می‌تواند تغییرات عمده‌ای را در رفتار سیستم ایجاد کند و تحت این شرایط است که اثر پروانه‌ای در کنار سازگاری پویا تبلور می‌یابد. دانشمندان معتقدند که آشفتگی، سازگاری‌ها و انطباق‌ها را در هم می‌شکند که این امر در ظهور نظم نوین گاهی بسیار ضروری است

و باعث خلاقیت مستمر در سایه تخریب خلاق در سیستم می‌شود. مورگان خاصیت خود نظمی در سیستم‌ها را تابع چهاراصل می‌داند. نخست آن‌که سیستم باید توان احساس و درك محیط خود و جذب اطلاعات از آن را دارا باشد. دوم آن‌که، سیستم باید قادر به برقراری ارتباط بین این اطلاعات و عملیات خود باشد. سوم آن‌که، سیستم باید قدرت آگاهی از انحرافات را داشته باشد و چهارم آن‌که، توانایی اجرای عملیات اصلاحی برای رفع مشکلات را دارا باشد. هرگاه این چهاراصل برقرار شوند رابطه‌ای بین سیستم و محیط ایجادشده و سیستم خود نظم می‌گردد و در مقابل وقایع، نوعی هوشمندی از خود بروز می‌دهد.

خودمانایی

در تنوری آشوب و معادلات آن نوعی شباهت بین اجزاء و کل قابل تشخیص است. بدین ترتیب که هر جزئی از سیستم دارای ویژگی‌های کل بوده و مشابه آن است (الوانی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). به این خاصیت هولوگرافی گفته می‌شود. اولین بار هولوگرافی در سال ۱۹۴۸ توسط دنیس گابور مطرح شد. مورگان در کتاب خود تحت عنوان «نگاره‌های سازمان» در استعاره سازمان به‌مثابه مغز و ویژگی‌های هولوگرافی را عبارت از: جزء خاصیت کل را داشته و مانند آن عمل می‌کند، سیستم توانایی یادگیری را دارد، سیستم دارای توانایی خودسازمان‌دهی است. حتی اگر قسمت‌هایی از سیستم برداشته شود سیستم به‌راحتی می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. به‌عنوان مثال در رابطه با خاصیت هولوگرافی می‌توان به آینه اشاره کرد. این خاصیت در تمام قسمت‌های آن وجود دارد به‌گونه‌ای که هر قطعه آن این خاصیت کل را می‌تواند از خود بروز دهد.

جاذبه‌های غریب

علی‌رغم غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرخطی بودن رفتار، جاذبه‌های غریب بیانگر الگوهای منظمی هستند که از آشفتگی‌های موجود در سیستم و بی‌نظمی موجود به دست می‌آیند. جاذبه‌های غریب در همه‌جا وجود دارد همه آنچه را که ما در نظر اول بی‌نظم و آشوب گونه می‌بینیم در درازمدت و با گذر زمان الگویی منظم و دارای نظم از خود نشان می‌دهد. تغییرات شدید، رفتارهای نامنظم، دگرگونی‌های غیرقابل‌پیش‌بینی، حرکات بحرانی و... همه در ذات خود دارای نظم نهفته هستند. جاذبه‌های غریب بدون الگو نیستند و از الگوی خاصی پیروی می‌کنند و ارزش آن‌ها هم در همین الگو داشتن است. این جاذبه‌ها دارای ویژگی‌های هندسی پیچیده‌ای هستند و دارای ابعاد غیر صحیح می‌باشند و مسیر آن‌ها به‌هم‌پیچیده، چندجهته و گسترده است. در جاذبه‌های غریب هیچ مسیری تکرار نمی‌شود و هر مسیر برای خود مسیری جدید است. جاذبه‌های غریب از تصاویر هندسی برگرفته که قوم " اینکا " در صحرای پرو حك کرده‌اند که اگر از نزدیک به آن‌ها نگاه کنیم نه نظمی را

نشان می‌دهند و نه تصویر معنی‌دار را به ذهن متبادر می‌سازند اما اگر از آسمان و از راه دور به آن بنگریم تصاویر درختان، حیوانات و پرندگان را می‌بینیم. جاذبه‌های غریب در همه‌جا وجود دارند. همه آنچه را که ما در نظر اول بی‌نظم و آشوبناک می‌بینیم در درازمدت و با تکرار؛ الگوی منظمی از خود نشان می‌دهند (الوانی، ۱۳۷۸: ۵۱)

نقد مدیریتی نظریه آشوب

نظریه آشوب و پیچیدگی در دنیای علمی با واژه‌های، مختلفی مانند: نظریه، علم و پارادایم به‌کاربرده می‌شوند اما تعمق در واژگان مذکور نشان می‌دهد که توافقی بین اندیشمندان و پژوهش‌گران درباره علم، نظریه و پارادایم وجود ندارد؛ بلکه نظریه یا پارادایم در طیفی از دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه بدیهی یا منطقی و تجربی، دیدگاه معنایی یا، الگوی نظری و برداشتی کوهنی ترسیم می‌شود و علم به دودسته سخت و نرم تقسیم می‌شود. با در نظر گرفتن این دسته‌بندی، نظریه‌های آشوب و پیچیدگی نظریه‌هایی‌ای علوم انسانی اثبات‌گرایانه و منطقی نیستند، می‌توانند با نادیده گرفتن چالش‌هایی نظریه‌های معنایی باشند، اما با برداشت کوهنی یک نظریه علمی محسوب می‌شوند. آشوب و پیچیدگی با برداشت علم سخت علم به حساب نمی‌آیند، اما با در نظر گرفتن علوم نرم و تلقی آشوب و پیچیدگی به‌منزله «روشی برای دیدن جهان» یا «روشی برای تفکر و عمل» این دو حوزه علم به حساب می‌آیند. هم‌چنین این نظریه‌ها به دلیل قابلیت‌های پارادایمی بر اساس برداشت کوهنی، زیر سؤال بردن پارادایم غالب و ارائه مفروضاتی جای‌گزین قابلیت‌های پارادایمی دارند و می‌توانند باهم به یک پارادایم مسلط تبدیل شوند.

این نظریه‌ها متناسب با ویژگی‌های خود از سطح دشواری بالاتری در مقایسه با مدرنیسم برخوردارند و درک و فهم آن نیازمند تأمل و تعمق بیش‌تر است. بسیاری از الگوهای این نظریه‌ها مانند نقشه لجستیکی، نقشه هنون، جذب‌کننده‌های لورنز و غیره پیچیده‌اند و فهم آن‌ها نیازمند گذار از هندسه اقلیدسی و تأسی به هندسه فرکتالی، به‌منزله زبان ریاضیاتی پدیده آشوب‌ناک است. مسلماً فهم تمامی اجزای سیستم‌های آشوب‌ناک پیچیده و روابط غیرخطی آن‌ها بسیار دشوار است، پدیده‌ها یا دستگاه‌های آشوب‌ناک - پیچیده به دلیل وابستگی حساس، خودسازمان‌دهی، خودزاینده‌گی، نوظهور بودن و... همیشه اجزا و روابط پنهانی دارند که به‌صورت توالی زمانی و مکانی آشکار می‌شوند. چنین وضعیتی سبب می‌شود تا بهره‌گیری از این نظریه‌ها در دنیای علمی با یک دوگانگی، یعنی ضرورت استفاده و دشواری‌های فهم و کاربرد، هم راه باشد. به بیانی دقیق‌تر، بسیاری از اندیشمندان و پژوهش‌گران حوزه‌های علمی مختلف خود را ناچار به استفاده از آن

می‌دانند، اما به دلیل دشواری‌های ذکرشده و پیش‌بینی‌ناپذیری و غیرقطعی بودن سیستم‌های آشوب‌ناک - پیچیده و مطالعه آن‌ها عملاً وارد این نظریه‌ها نمی‌شوند و برای این رفتار خود از استدلال مخالفان این نظریه‌ها استفاده می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۶: ۹۸).

نقد اسلامی تئوری آشوب

اولین چالش و نقص نظریه آشوب تناقض درونی این نظریه است که میان گزاره‌های بیان‌شده تناقض درونی وجود دارد.

تناقض درونی نظریه آشوب

مهم‌ترین مشکل نظریه تناقض درونی میان گزاره‌های بیان‌شده توسط متفکرین این اندیشه است. صاحبان نظریه مدعی هستند که: «در حقیقت، ارتباط بین علت و معلول در پیچیدگی روابط متقابل گم می‌شود». سخنی خودمتناقض است؛ زیرا انکار اصل علیت به بهانه پیچیدگی در حقیقت متلاشی کردن بنیان معرفت و دانش بشری است. اگر ما قائل به اصل علیت نباشیم همین سخن شما و تمامی استدلال‌های شما قابل‌پذیرش نیست؛ اصلی وجود ندارد تا به‌وسیله آن جمله را قائم به مقدمه و نتیجه کرد و بر اساس آن مقدمات استدلال را فراهم و نتیجه گرفت. از طرف دیگر، مسئله علیت به این علت که بدیهی است با عقل اثبات یا نفی نمی‌شود؛ زیرا عیار کردن استدلال نیازمند چینش مقدمات است و مقدمات بدون ربط که اصل علیت باشد، استوار نمی‌شود. مقدمات علت ناقصه، معده یا تامة نتیجه هستند. اگر ربط ضروری بین مقدمات و نتیجه نباشد، نتیجه حاصل نخواهد شد. پس استدلال بر اثبات یا نفی علیت، بر اصل علیت استوار است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲).

اصل علیت

تئوری آشوب اولین اصلی را که مورد اتفاق و پذیرفته‌شده است را زیر سؤال و به چالش می‌کشد؛ اصل علیت است. به همین علت اول اصل علیت از دیدگاه متفکران مسلمان تبیین و بعد تعارض نظریه آشوب با اصل علیت تبیین خواهد شد.

اصل علیت اصل مهم و پذیرفته‌شده است. به همین علت فلاسفه اسلامی وجود را به علت و معلول تقسیم نموده‌اند. اصل علیت عبارت است از قضیه‌ای که دلالت بر نیازمندی معلول به علت دارد. لازمه‌اش این است که معلول بدون علت، تحقق نیابد. این مطلب را می‌توان در قالب قضیه حقیقه به این شکل بیان کرد: هر معلول محتاج به علت است. مفاد آن؛ این است که هرگاه معلولی در خارج تحقق یابد نیازمند به علت خواهد بود. هیچ موجودی نیست که وصف معلولیت را داشته و

بدون علت به وجود آمده باشد. پس وجود معلول کاشف از این است که علتی آن را به وجود آورده است. تقریرات متفاوتی از اصل علیت شده است. به علت رعایت اختصار فقط به تقریر شیخ اشراق از علیت بسنده می‌شود: وجود معلول از آن حیث که علت، علت اوست متعلق به آن است؛ یعنی رابطه علت و معلولی در حیثیت علت بودن علت است؛ علت ایجادکننده معلول و معلول نیز بدان وابسته است. برای مثال وجود میز وابسته به چوب، میخ، نجار و... است؛ بنابراین وجود معلول متوقف بر وجود علتش است که؛ چوب یا صورت خشبیه، میخ و نجار است. اگر میخ، چوب و سایر علل نباشند وجود معلول واجب نخواهد شد. پس همه علت‌هایی که در ایجاد معلول دخیل هستند باید محقق باشند تا معلول بتواند ایجاد شود (شیخ اشراق، ۱۳۷۵: ۳۸۱).

اصل علیت یک رابطه اصیل و غیرقابل خدشه در نظام عالم هستی دارد؛ که اگر برداشته شود، درواقع ستون عالم هستی و معرفت را برداشته‌اند. چون با از میان رفتن آن تناقض میان گزاره‌های علمی و امور دیگر امکان‌پذیر می‌شود. در این صورت گزاره‌های متناقض امکان جمع در مکان و زمان واحد و از جهت واحد، پیدا می‌کنند. همه علوم زیرمجموعه اصل تناقض هستند، نه در برابر آن و اگر این اصل برداشته شود بنیان همه علوم فرومی‌ریزد (جوادی آملی، ۳۶). نظریه آشوب یکی از پایه‌های اساسی آن اثر پروانه‌ای است. باور به اثر پروانه‌ای باورمندی به اصل علیت در عالم هستی را به چالش می‌کشد؛ زیرا اصل علیت مفادش این است که هیچ معلولی بدون علت امکان تحقق ندارد ولی اثر پروانه‌ای مفادش این است که حتی بال زدن پروانه در منطقه‌ای دورافتاده می‌تواند در معلول در جای دیگر اثر داشته باشد.

۲. تفکیک امکان در معرفت

یکی از بنیادی‌ترین مسئله نظریه آشوب طرح این مبحث است که: جدیدترین فنون سنجش تجزیه و تحلیل نهایی فقط می‌تواند تقریبی به بهترین وجه حدس و گمان باشد (الوانی، ۱۰۴). این گفته تنوری پردازان نظریه آشوب ریشه در این مطلب شناخت‌شناسی دارد که آیا اصلاً شناخت امکان دارد؟ در مرحله بعد این سؤال طرح می‌شود که آیا می‌توان به شناخت اطمینان‌بخش و یقینی دست پیدا کرد؟ نفی اصل علیت مستلزم این است که هیچ‌گونه نظم و قانونی در کار جهان قائل نشویم و هیچ چیز را شرط و دخیل در چیز دیگر ندانیم. خلاصه بین هیچ چیزی رابطه قائل نشویم (عبودیت: ۱۶۷). مصباح یزدی بیان بهتری در رد این نظریه دارد. اگر کسی ادعا کند که: هیچ شناخت یقینی، امکان ندارد. از وی سؤال می‌شود که آیا به این مطلب بیان‌شده یقین دارید؟ یا در صحت آن نیز شک دارید؟ اگر بگویید یقین دارم. پس اولین گزاره یقینی اثبات و ادعای شما نقض می‌شود. اگر هم بگویید

یقین ندارم؛ مفهومی این است که احتمال می‌دهم معرفت یقینی ممکن باشد. پس در این صورت نیز سخن خود را ابطال نموده است (مصباح یزدی: ۱۶۵-۱۶۰).

یکی از قوانین علیت، سنخیت میان علت و معلول است. هر معلولی از هر علتی به وجود نمی‌آید. علیت رابطه خاصی است میان موجودات معینی. به عبارت دیگر، میان علت و معلول مناسبت خاصی وجود دارد که از آن به سنخیت میان علت و معلول تعبیر می‌شود. این قاعده از قضایای ارتکازی و قریب به بداهت است که باتجربه‌های درونی و بیرونی ثابت می‌گردد (همان، ۶۸). مهم‌ترین مباحث تئوری آشوب بحث پروانه‌ای یا حساسیت نسبت به شرایط اولیه است؛ آیا بال زدن پروانه‌ای در برزیل می‌تواند موجب ایجاد طوفانی در تگزاس شود. اثر پروانه‌ای یکی از اصلی‌ترین چارچوب‌های اندیشه‌ای این نظریه را تشکیل می‌دهد. نکته قابل‌تأمل این قسمت این است که هیچ‌کس از علت واقعی طوفان یعنی بال زدن پروانه مطلع نخواهد بود (سردار، ۱۳۸۸: ۶۶). این نگرش نظریه آشوب با بحث سنخیت علت و معلول در تقابل است. به نظر فیلسوفان قاعده سنخیت علی و معلولی در تمام سلسله علل صادق است (تامه و ناقصه؛ فاعلی، مادی و غایی). یکی از قواعد معروف فلسفی قاعده: الواحد لا یصدر عنه الا الواحد، است. معنای قانون سنخیت علی و معلولی این است که از علت معین فقط معلول معین صادر می‌شود و معلول معین فقط از علت معین صادر می‌شود. از هر علتی هر معلولی به وجود نمی‌آید؛ بنابراین صدور کثیر از واحد و صدور واحد از کثیر محال است. معنای این قاعده این است که علت واحد فقط با معلول وابستگی دارد و معلول واحد فقط با علت واحد مرتبط است. اگر احياناً در مواردی می‌پنداریم که علت واحد منشأ معلولات کثیر است یا معلول واحد از چند علت حاصل شده است درواقع آن علت یا معلول مفروض واحد نیستند بلکه مجموعه‌ای از واحدهاست که ما آن را واحد پنداشته‌ایم (عبودیت: ۱۸۳).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریه آشوب حاصل نگاه غیرخطی به شرایط و امور است. اینکه یک عامل اولیه می‌تواند اثر بسیار عظیم در خروجی داشته باشد که قابل پیش‌بینی نباشد؛ بنابراین نظریه آشوب با طرح غیرخطی اندیشی و محیط پویا و سیال، اندیشمندی تئوری‌های مدیریت کلاسیک را به چالش کشید. پایه‌گذار نگاه غیر مکانیکی به سازمان و تصمیم‌گیری‌های سازمانی است. این‌که مدیریت نمی‌تواند با فرض ثابت دانستن محیط به تصمیم‌گیری صائب و صحیح دست یابد. مدیریت باید در لحظه‌ها تصمیم بگیرد و همواره دید پویا به محیط و سازمان داشته باشد و با این نگاه نیز دست به تصمیم‌گیری بزند.

در مقابل می‌توان این نظریه را با توجه به علم مدیریت نقد و به چالش کشید. اولاً، نظریه آشوب با توجه به دسته‌بندی علم به دودسته سخت و نرم، نظریه آشوب جزء نظریه‌های علوم انسانی اثبات‌گرایانه و منطقی نیست. ثانیاً با دسته‌بندی علوم به سخت نظریه آشوب علم به حساب نمی‌آید اما با تلقی نظریه آشوب به منزله روشی برای دیدن جهان یا روشی برای تفکر و عمل، علم به حساب می‌آید. ثالثاً این نظریه با توجه به ویژگی‌های خود، فهم آن نیازمند تأمل و تعمق بیش‌تر است. فهم تمامی اجزای سیستم‌های آشوب‌ناک و روابط غیرخطی آن بسیار دشوار است. از طرف دیگر سیستم‌های آشوب‌ناک به دلیل وابستگی حساس، خودسازمان‌دهی، خودزاینده‌گی و... همیشه اجزا و روابط پنهانی دارند که به صورت توالی زمانی و مکانی آشکار می‌شوند. چنین وضعیتی سبب می‌شود در دنیای علمی با یک دوگانگی یعنی ضرورت استفاده و دشواری‌های فهم و کاربرد، همراه باشد. نقد اسلامی نظریه آشوب: بزرگ‌ترین مشکل نظریه آشوب تناقض درونی خود نظریه است؛ زیرا صاحب‌نظران این نظریه قائل هستند که: در حقیقت ارتباط بین علت و معلول در پیچیدگی روابط متقابل گم می‌شود. سخنی خودمتناقض است. انکار اصل علیت به بهانه پیچیدگی در حقیقت متلاشی کردن بنیان معرفت است. این نظریه در تضاد کامل با اصل علیت، عدم سنخیت میان علت و معلول و تفکیک امکان در معرفت است.

منابع

- ۱- رامشت، محمدحسین، نظریه کیاس در ژئومورفولوژی، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۳۶-۱۳.
- ۲- الوانی، سید مهدی؛ دانایی‌فرد، حسن، تئوری نظم در بی‌نظمی و مدیریت، انتشارات صفار-اشراقی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳- موسوی نژاد، سید ولی؛ پیچیدگی سیاست در ایران، انتشارات تپسا، تهران، ۱۳۹۳.
- ۴- حسینی، سید محمدحسین، درآمدی انتقادی بر نظریه‌های آشوب و پیچیدگی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هفدهم، شماره ششم ۱۳۹۶ آذر، ۸۵-۱۱۴.
- ۵- شیخ اشراق، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، چاپ دوم.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۹۵.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه ملاصدرا (تلخیص حقیق مختوم) ج ۲، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۷.

- ۸- عبودیت، عبدالرسول، فلسفه مقدماتی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۸.
- ۹- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۰- سردار، ضیاءالدین، آشنایی با نظریه آشوب، ترجمه: سید مهدی سجادی و وردا فقیر حق، انتشارات سرای دانش، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول.
- ۱۱- عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- طباطبایی، محمدحسین، فراهایی از اسلام، انتشارات جهان‌آرا، اصفهان، ۱۳۵۹.
- ۱۳- الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، نشر نی، ۱۳۸۵، تهران.
- ۱۴- الوانی، سید مهدی، بازتاب جلوه‌های نظریه بی‌نظمی در مدیریت، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۱-۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۸، دانشگاه علامه طباطبایی.